

تأملی بر نشانه‌شناسی فضاهای ورودی خانه‌های دوره قاجار شهر قزوین از دیدگاه فردینان دو سوسور، چارلز سندرس پیرس و امبرتو اکو*

مهندس نوشین سخاوت‌دوست**، دکتر فریبا البرزی***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۲۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۲/۱۵

چکیده

نشانه‌شناسی رویکردی علمی برای مطالعه و تفسیر نشانه‌ها است. پژوهش از دیدگاه علم نشانه‌شناسی و با کاربست نظریات فردینان دو سوسور، چارلز سندرس پیرس و امبرتو اکو به بررسی مفهوم عناصر به کاررفته در فضای ورودی خانه‌های قاجار قزوین می‌پردازد. فرض است که در بررسی هر جز از فضای ورودی خانه، آنچه تبدیل به نشانه گشته حاصل ساختارهای ذهن انسان و متأثر از ساختارهای اجتماعی و فرهنگی بوده است. بدین ترتیب لزوم تفسیر معنا و تحلیل‌های اجتماعی به‌عنوان شالوده اصلی ایفای نقش کرده و با تکیه بر این موارد روش تحقیق از نوع کیفی، به روش توصیفی تحلیلی انتخاب شده است. نتیجه پژوهش ضمن بررسی علل عملکردی و مفهومی عناصر فضای ورودی از منظر نشانه‌شناسانه، تأثیرگذارترین عامل در بررسی نشانه‌ها را در ارجاع به مؤلفه‌های ذهنی و مفهومی دانسته که در قالب ساختارهای فرهنگی، اجتماعی مذهبی و رفتاری با در نظر داشتن ویژگی‌های کالبدی درنهایت به ایجاد فرمی معنادار منجر شده است.

واژه‌های کلیدی

نشانه‌شناسی معماری، فضای ورودی خانه‌های دوره قاجار شهر قزوین، فردینان دو سوسور، چارلز سندرس پیرس، امبرتو اکو.

*این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نوشین سخاوت‌دوست تحت عنوان «طراحی پردیس فرهنگ و هنر و معماری ایرانی با رویکرد پدیدارشناسی و با توجه به دیدگاه نشانه‌شناسی» است که به راهنمایی دکتر فریبا البرزی در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین به انجام رسیده است.

**دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

Email: noushin.sekhavat@yahoo.com

***استادیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. (مسئول مکاتبات)

Email: faalborzi@yahoo.com

مقدمه

قوانین نشانه‌شناسی در حوزه زبان و بررسی نقش نشانه‌ها در زندگی اجتماعی (Saussure, 2011)؛ کتاب سیبیاک در مورد جنبه‌های مختلف نشانه‌شناسی و توضیح نشانه‌ها و ادراک آنها بر اساس تفکرات انسانی، تعامل نشانه‌شناسی با مبانی علوم اجتماعی و مباحث مرتبط با انسان و ارتباطات او (Sebeok, 2001)؛ کتاب تئوری نشانه‌شناسی اکو درباره چگونگی خلق و تولید نشانه‌ها و تأثیر جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی، زیبایی‌شناسی و انسان‌شناسی در مطالعه نشانه‌ها (Eco, 1978)؛ اثر لوتمن در زمینه نشانه‌شناسی فرهنگی، اهمیت مطالعات فرهنگی، معنایی، تاریخی و انسان‌شناسی در حوزه مطالعات نشانه‌شناسانه (Lotman, 2001)؛ نشانه‌شناسی کاربردی در مورد کاربرد نظریه‌های نشانه‌شناسی و تحلیل آن در هنر (سجودی، ۱۳۸۷)؛ نشانه‌شناسی اکو در مورد تولید و بازشناسی نشانه‌ها و نقش فرهنگی آنها (اکو، ۱۳۸۷)؛ مجموعه مقالات نشانه‌شناسی مکان در مورد کاربرد نشانه‌شناسی در تعریف مکان و فضا (هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، ۱۳۹۰)؛ مقاله از معناشناسی تا نشانه‌شناسی معماری (Gawlikowska, 2013) و مقاله بازتابی از نظریات نشانه‌شناسی در خوانش مساجد معاصر تهران (Dabagh, 2015) اشاره کرد. در بررسی‌های انجام‌شده، نشانه‌شناسی معماری معمولاً در مقیاس فضایی کلان در فضای شهری و معماری به کارگرفته شده است در حالی که خلأ بررسی‌های دقیق‌تر از دیدگاه فرهنگی و دال و مدلولی در مقیاسی جزئی احساس می‌شود. لذا نگارندگان برآنند تا با محدود کردن مورد مطالعه در فضاهای ورودی به تحلیلی جامع‌تر در زمینه کاربرد نظریات نشانه‌شناسانه در معماری دست یابند.

چهارچوب نظری پژوهش

علم نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی فهم پدیده‌های جهان از طریق خواندن نشانه‌های موجود است (Dabagh, 2015, 2462). در نگاهی هستی‌شناسانه به ماهیت نشانه‌ها می‌توان اظهار داشت که موجودیت نشانه در گرو زمان و تحت تأثیر انسان و وجود او استنباط می‌شود (Eco, 1986, 16). در برخورد با نشانه‌ها چیزی وجود دارد که بیشتر از زمان حال، از آن گذشته بوده و باین حال بخش زیادی از آن در آینده ادامه خواهد داشت (Deely, 2015, 33). با توجه به تعاریف مطرح‌شده در ارتباط با ماهیت نشانه‌شناسی، در راستای این پژوهش در کاربرد رویکرد نشانه‌شناسی در خوانش علائم و ساختارهای عناصر ورودی خانه‌های قاجاری شهر قزوین نظرات سه اندیشمند مطرح این عرصه «سوسور، پیرس، اکو» مورد بررسی قرار می‌گیرد. معطوف کردن مسیر پژوهش به دیدگاه سه نظریه‌پرداز یادشده را می‌توان با دلایلی در حوزه نشانه‌شناسی و کاربرد در عرصه معماری درست تلقی کرد؛ بوری لوتمان^۴ از جمله مهم‌ترین

در چند دهه اخیر ارتباط میان مباحث نظری مطرح در حوزه‌های مختلف فلسفی با عرصه‌های هنری و به‌خصوص معماری بسیار دیده شده‌است. یکی از این مباحث که در ارتباطی نزدیک با معماری قرار دارد، نشانه‌شناسی است. دانش نشانه‌شناسی به جهت کاوش پیرامون ابعاد معنایی یک علامت در ارتباط با ساختارهای ذهنی و با در نظر داشتن کارکردهای اجتماعی و فرهنگی در مطالعات معماری دارای نقشی تأثیرگذار است. مقاله حاضر به بررسی نشانه‌شناسی فضای ورودی خانه‌های دوره قاجار شهر قزوین اختصاص یافته‌است. فضاهای ورودی واسطه‌ای میان شهر و خانه هستند که می‌توانند به صورتی قابل دسترس و آشکار، جلوه‌گاه تفکرات، باورها و ارزش‌های هر بنا باشند. بدین ترتیب بررسی نشانه‌شناسانه این فضا می‌تواند در راستای شناسایی هدف، معنا و کاربرد عناصر فضای ورودی به موضوعی درخور تأمل تبدیل شود. در این راستا هدف پژوهش بیان ارتباط میان نشانه‌های فضای ورودی متأثر از ساختارهای ذهنی، فرهنگ و شرایط اجتماعی است که در این میان به معرفی نقش مکملی دیدگاه سه نظریه‌پرداز (سوسور، پیرس، اکو) در مطالعه دقیق‌تر پیرامون نشانه‌های معماری نیز اشاره شده‌است. در بررسی‌های نشانه‌شناسی پژوهش حاضر از دیدگاه سوسور در معرفی رابطه دال و مدلولی عناصر، دیدگاه پیرس جهت بیان موضوع، باز نمودن و تفسیر نشانه و سه نوع نشانه نمایه‌ای، نمادین، شمایی و دیدگاه اکو در بررسی، تأثیر و محوریت فرهنگ در شکل‌گیری نشانه‌ها، استفاده‌شده است تا موضوع پژوهش در گستره‌ای وسیع‌تر و از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد. بدین ترتیب ابتدا به تشریح نظریات نشانه‌شناسان پژوهش پرداخته و سپس نمود این نظریات در یافته‌های تحقیق بدون پیش‌داوری درباره تضادهای احتمالی در بناها و بی‌فایده یا پوچ انگاشتن ظاهری آنها و با توجه به آنچه در فرهنگ سنتی وجود دارد پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش حاضر در مورد مطالعات نشانه‌شناسی و کاربرد آن در حوزه معماری گردآوری شده‌است. در زمینه منابع موجود در نشانه‌شناسی می‌توان به کتاب چندلر در رابطه با مباحث کلیدی نشانه‌شناسی و تجزیه و تحلیل موضوعات فرهنگی توسط نشانه‌شناسی و گستردگی این رویکرد در حوزه‌های مختلف هنری و معماری (Chandler, 2017)؛ کتاب جامع نشانه‌شناسی در بیان کاربرد روش نشانه‌شناسی به‌عنوان رویکردی ساختارگرایانه در تحلیل موضوعات انسانی و فرهنگی (Trifonas, 2015)؛ اثر پیرس در زمینه چگونگی شکل‌گیری نشانه‌ها، ارتباط آن با ذهنیت انسان و تفسیر بر پایه آگاهی فرد (Peirce, 1991)؛ اثر دوسوسور در حوزه زبان‌شناسی و نیز کاربرد

نظریه‌پردازان نشانه‌شناسی، وظیفه نشانه‌شناسان آینده را در کاربرد نشانه‌شناسی سوسور یا پیرس و یا ترکیبی از این دو جهت تفسیر جهان می‌داند (کابلی و یاتس، ۱۳۹۱، ۱۶۶). همچنین باوجود پیشینه تاریخی طولانی در نشانه‌شناسی، این علم به‌طور منسجم، در قالب یک روش علمی و به نام نشانه‌شناسی در اثری از فردینان دو سوسور به نام «دوره زبان‌شناسی عمومی» مطرح گشت و بدین ترتیب بنیادهای اولیه آن با بحث‌های سوسور در این کتاب گذاشته‌شد که هم‌راستا با او چارلز سندرس پیرس نیز بر طرح نشانه‌شناسی و عوامل دخیل بر دلالت و طبقه‌بندی نشانه‌ها، نظرات بنیادین ارائه داد. راه این دو بنیان‌گذار در طول قرن بیستم تحت عنوان سنت سوسوری و پیرسی توسط اندیشمندان بسیاری ادامه یافت که از میان آنان امرتو اکو از جمله مهم‌ترین نظریه‌پردازانی است که از دستاوردهای هر دوشاخه عمده نشانه‌شناسی بهره‌مند گشته و مفهوم نشانه را در محدوده‌ای و رای نظام انتزاعی و در برخورد با فرهنگ انسانی جست‌وجو می‌کند (سجودی، ۱۳۸۷، ۳۹-۷). تنوع موجود میان دیدگاه سوسور، پیرس و اکو در عین تعامل آنان، می‌تواند به‌عنوان روشی با دربرداشتن طیف موضوعی گسترده جهت بررسی لایه‌های مختلف ساختاری و معنایی فضای معماری مورد استفاده واقع شود. بدین صورت که با فرض عناصر فضایی به‌عنوان متن یا علامت و نشانه، رابطه میان صورت ظاهری بنا «کالبد» و نحوه نمود و مفهوم آن در دیدگاه سوسور و پیرس بررسی و سپس در لایه‌ای عمیق‌تر علت شکل‌گیری چنین مفهومی متأثر از نظام‌های فرهنگی و اجتماعی براساس دیدگاه اکو در اهمیت زمینه در خوانش نشانه‌ها مطرح می‌شود و بدین ترتیب سه دیدگاه یادشده در راستای تکامل و پیوستگی باهم عناصر فضای ورودی را با خوانش دقیق‌تر مورد مطالعه قرار می‌دهند.

گرچه برداشت صحیح از مبانی رویکرد نشانه‌شناسی و آگاهی از الفبای آن، تحقیق حاضر را ملزم به کاربرد نظرات بنیان‌گذاران غربی کرده‌است با این حال لازم به ذکر است، نشانه‌شناسی به‌عنوان یک روش جهت خوانش عناصر فضای ورودی خانه‌های قاجار بدون تحت شعاع قرار دادن دیدگاه شرقی در ساخت خانه‌ها و بااهمیت بر زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی ایران مطرح شده‌است و در این راستا نحوه انطباق مبانی نشانه‌شناسی با عناصر فضای ورودی نمونه‌های پژوهش با حفظ زمینه‌های بومی و دوره تاریخی انتخابی تحقیق و نیز ساختارهای اجتماعی و فرهنگی با رجوع به شرح‌حال‌ها، سفرنامه‌ها و ویژگی‌های معماری دوره زمانی پژوهش انجام پذیرفته است.

نشانه از نظر سوسور: سوسور نشانه را موضوعی «کالبدی» و در عین حال «معنادار» معرفی می‌کند (چندلر، ۱۳۸۶، ۳۱) و الگوی دو وجهی از نشانه را با عنوان دال و مدلول «مفهومی» که دال به آن دلالت می‌کند، یا تصور مفهومی» ارائه می‌دهد و از رابطه میان این دو عنصر درونی نشانه

با عنوان دلالت یاد می‌کند (سجودی، ۱۳۸۷، ۱۹). از نظر سوسور ارزش هر نشانه با حضور هم‌زمان نشانه‌های دیگر و در ارتباط با آن معنا می‌یابد (سوسور، ۱۳۸۲، ۱۶۵). «سوسور نشانه‌شناسی را علم بررسی نشانه‌های منفرد نمی‌داند بلکه علم بررسی نظام‌های نشانه‌ای می‌داند که بدیهی است پدیده‌هایی اجتماعی‌اند» (سجودی، ۱۳۸۷، ۴۷). چنانچه مشخص است بحث نظام اجتماعی و مؤلفه‌های فرهنگی در تعاریف یادشده به صورتی واضح مطرح‌شده که بخش مهمی از پژوهش حاضر در ارتباط با این مبحث شکل گرفته است.

نشانه از نظر پیرس: پیرس الگوی خود از نشانه را برخلاف مدل سوسور به سه بخش شمایل، نمایه و نماد تقسیم کرده است. بر این اساس در نوع نمود نشانه به‌صورت شمایل رابطه نشانه با موضوعش مبتنی بر تشابه است و نشانه از برخی جنبه‌ها مانند «شکل ظاهر، صدا و احساس و ...» شباهتی با موضوع خود دارد (سجودی، ۱۳۸۷، ۳۱). در صورت نمایه‌ای نشانه مناسبت دال و مدلول یا علت و معلولی میان نشانه و موضوعش برقرار است (احمدی، ۱۳۷۵، ۲۷). نشانه‌های نمایه‌ای دلخواه نبوده و از طریق کالبدی یا علی به موضوع خود وابسته می‌باشند (سجودی، ۱۳۸۷، ۳۱). در نوع نمود نشانه به‌صورت نماد نیز رابطه نشانه با موضوع خود بر پایه رابطه‌ای دلخواه یا قراردادی است. با توجه به این قراردادهای دلالت‌هایی خاص در هر فرهنگی ساخته‌شده که نشانه‌های نمادین به‌دور از همانندی صوری یا مناسبات علی یا قیاسی به عبارتی «جدا از هرگونه مناسبت واقعی و موجود با موضوع» از آن خبر می‌دهند (احمدی، ۱۳۷۵، ۲۸؛ سجودی، ۱۳۸۷، ۳۱).

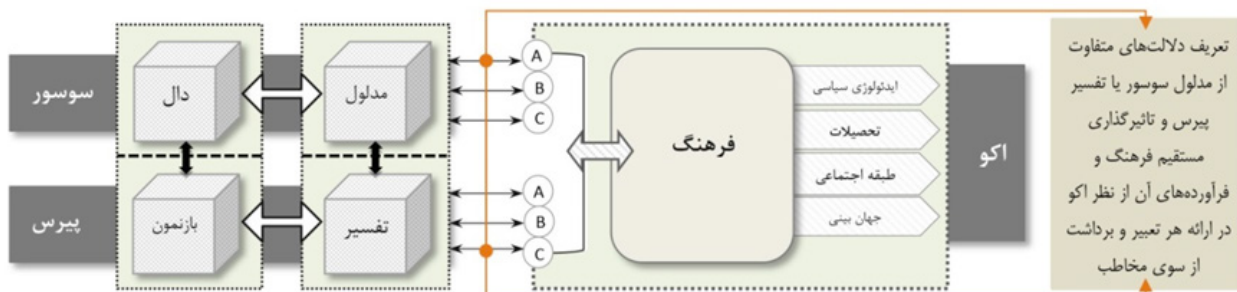
نشانه از نظر اکو: نظریات نشانه‌شناسی اکو بیش‌تر با محوریت فرهنگ در راستای تحلیل نشانه‌های فرهنگی، هنری، ادبی و اجتماعی بوده‌است (اکو، ۱۳۸۴، ۷۰۹). از نظر او بدین خاطر که انتقال‌دهندگان پیام از لحاظ طبقه اجتماعی، تحصیلات و یا ایدئولوژی سیاسی، جهان‌بینی و روحیه گروهی با مخاطبان خود تفاوت دارند، پیام نزد این دو گروه دارای معنای یکسانی نبوده و هریک پیام را از دید خود تفسیر می‌کنند (آسبرگر، ۱۳۸۹، ۴۹). جدول ۱ به وجوه تشابه و تفاوت دیدگاه‌های سوسور، پیرس و اکو در مورد ساختار ویژگی‌های شاخص نشانه‌ها اختصاص یافته‌است.

بر این اساس، می‌توان از نتایج جدول ۱، در حوزه جمع‌بندی مباحث تئوری نشانه‌شناسی و کاربردی کردن نظرات در بررسی فضای معماری استفاده کرد. بر پایه ویژگی‌های شاخص مطرح‌شده در جدول ۱، تمرکز بر متن و زمینه، نقش انسان به‌عنوان تفسیرگر پیام نشانه، محوریت فرهنگی و ارتباط تعاملی میان صورت ظاهری و معنا و محتوا، ارتباط و ارجاع نشانه‌ها به یکدیگر مشخص می‌شود. ویژگی‌های عنوان‌شده به جهت تنوع در گستره موضوعی بیان‌شده، در بسیاری از مباحث مرتبط با انسان از جمله فضای زیست او و تحلیل عناصر معماریانه

جدول ۱. وجوه تشابه، تفاوت و ویژگی‌های شاخص نشانه از دیدگاه سوسور، پیرس و اکو.

ویژگی شاخص	تفاوت	شباهت	ویژگی‌ها و ساختار نشانه‌ها
تشکیل نشانه از دو جز دال و مدلول (صورت و مفهوم؛ بازنمون و تفسیر)	-نشانه‌شناسی سوسور بیشتر در حوزه زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی اکو مربوط به حوزه فرهنگی نه قلمرو انتزاعی زبان (سجودی، ۱۳۸۷)	-نزد پیرس و سوسور مدلول همان تصویر ذهنی (احمدی، ۱۳۷۵، ۲۳) -نماد نزد سوسور همان شمالی نزد پیرس (احمدی، ۱۳۷۵، ۲۴)	نشانه دارای دو بخش دال «صورت» و مدلول «معنی» (سجودی، ۱۳۸۷، ۱۸) وابستگی ارزش نشانه‌ها به روابط با دیگر نشانه‌ها؛ ارجاع نشانه‌ها به یکدیگر (سجودی، ۱۳۸۷، ۲۱) قابل شدن جنبه نمادین برای نشانه‌ها با توجه به قراردادی بودن آنها (احمدی، ۱۳۷۱، ۴۵)
			عناصر اصلی در نظریه نشانه‌شناسی پیرس: بازنمودن؛ صورتی که نشانه به خود می‌گیرد؛ تفسیر: معنایی که از نشانه حاصل می‌شود و موضوع که نشانه به آن ارجاع می‌دهد (سجودی، ۱۳۸۷، ۲۷)
نمود نشانه به صورت شمایل، نمایه و نماد		-شباهت میان دیدگاه پیرس و سوسور از لحاظ کیفیت قراردادی بودن (سجودی، ۱۳۸۷، ۳۳)	تقسیم نشانه‌ها به «شمایل، نمایه، نماد» (احمدی، ۱۳۷۵، ۲۵) توجه به نقش تفسیرگر «کاربر نشانه‌ها از نشانه‌ها و ارجاعات مجزا نیست» (سجودی، ۱۳۸۷، ۳۰)
			نماد نشانه‌ای قراردادی، وابسته به عادت «اکتسابی یا فکری» (پیرس به نقل از سجودی، ۱۳۸۷، ۳۳)
توجه به نقش انسان به عنوان تفسیرگر نشانه		- استفاده از جنبه‌های پراگماتیستی در الگو پیرس و اکو (ضمیران، ۱۳۸۵، ۲۲۲)	رابطه قراردادی میان بیان و محتوا (اکو، ۱۳۸۷، ۱۱) آغاز فرآیند دلالت پس از اتمام فرایند ارتباطات «هدف؛ مطرح کردن نقش انسان» (Dabagh, 2015, 2463)
			تمرکز بر متن به جای تأکید بر پیام (ضمیران، ۱۳۸۵، ۲۲) معنای نشانه در ارتباط با دیگر نشانه‌ها (سجودی، ۱۳۸۷، ۱۹۸) فرهنگ از عوامل اصلی تولید نشانه‌ها (اکو، ۱۳۸۷، ۱۱)
توجه به فرهنگ و زمینه به عنوان عامل تأثیرگذار در شکل‌گیری نشانه‌ها	-از نظر سوسور نماد بیان رابطه‌ای طبیعی میان دال و مدلول از نظر پیرس نماد گونه‌ای قراردادی (احمدی، ۱۳۷۵، ۲۴)	-شباهت دیدگاه پیرس از نظر تعیین ویژگی‌های نشانه‌های زبانی شبیه سوسور (سجودی، ۱۳۸۷، ۳۳) -بازنمود پیرس مشابه دال سوسوری و تفسیر شبیه مدلول سوسوری (سوسور به نقل از سجودی، ۱۳۸۷، ۲۸)	
مدلول عنصری مفهومی مرتبط با تصویر ذهنی			

فضا قابل استفاده خواهند بود. علاوه بر این شباهت‌ها و تفاوت‌های عنوان شده در دیدگاه سوسور، پیرس و اکو به تعامل نظرات آنان در عین تفاوت‌های موجود اشاره داشته و بدین ترتیب در راستای فراهم آوردن امکان بررسی از جنبه‌های متنوع و وسیع، هماهنگی میان تئوری‌های



شکل ۱. ارتباط دیدگاه‌های سوسور، پیرس و اکو در نشانه‌شناسی.

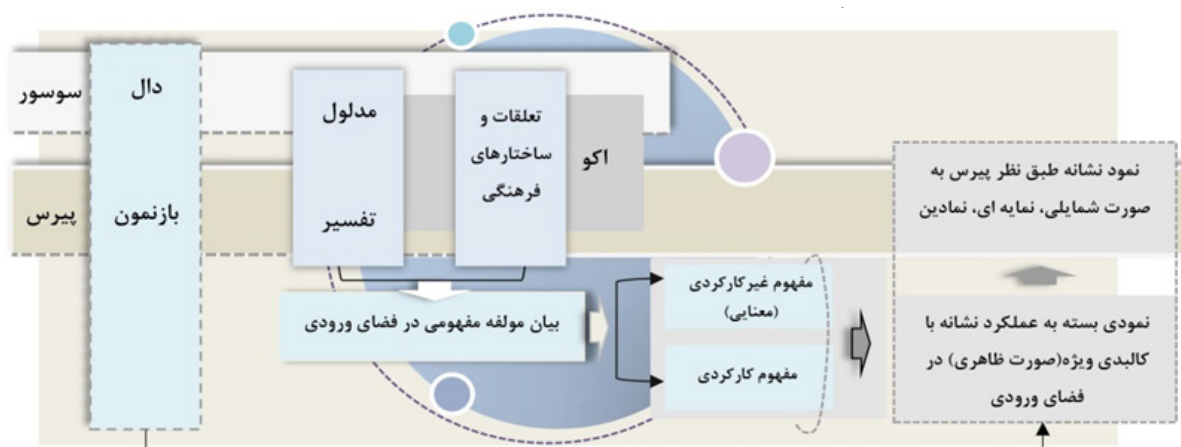
معماری- و اثرگذاری فرهنگ و عوامل وابسته به آن در بیان مفهوم نشانه‌ها در فرآیند دلالت و تفسیر آنها از جانب مخاطب، ارائه شده است.

نشانه‌شناسی در معماری

با علم به گستردگی دانش نشانه‌شناسی و این مسئله که فضای معماری همواره در جهت رفع نیازهای کالبدی و فرهنگی و اجتماعی ساکنان آن شکل می‌گیرد می‌توان چنین نتیجه گرفت که عناصر موجود در فضای معماری مشمول مفاهیمی است که شناخت آنها با دانش نشانه‌شناسی میسر می‌گردد. توانایی انتقال معنا از طریق فضاسازی از جمله مواردی است که سبب به رسمیت شناختن ارتباط نشانه‌شناسی و معماری شده است (Gawlikowska, 2013, 50). در چارچوب نشانه‌شناسی معنای یک نشانه براساس فعالیت آن تأیید نمی‌شود بلکه در زمینه فرهنگی و در قلمرو رفتار اجتماعی مشخص می‌گردد (Leach, 2005, 175). به عبارتی دیگر نشانه‌شناسی با تفسیر بیان حاصل از فرم‌های معماری، تدوین و دسته‌بندی کردن آنها و تبدیل هر عنصر به یک ابزار ارتباطی، می‌تواند به معنایی در ارتباط با اثر معماری دست یابد (Ramzy, 2013, 338).

نشانه‌شناسی فضای ورودی

در بررسی دقیق‌تر، خانه ساختاری با عملکرد چندجانبه است که تحت تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، اقتصادی و محیطی شکل گرفته است. در نتیجه ساختار آن فرآورده فرهنگ محسوب می‌شود (Rapoport, 1969, 46) و دارای ابعاد مختلف جهت بحث از دیدگاه نشانه‌شناسی است. با توجه به این که بررسی نشانه‌ها در تمامی بخش‌های خانه به دلیل گستردگی و تنوع فضاها از ظرفیت این پژوهش خارج است، تنها نشانه‌شناسی فضاهای ورودی خانه‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد.



شکل ۲. رویکرد نشانه‌شناسی سوسور، پیرس، اکو در فرآیند خوانش نشانه‌ها در معماری.

تحلیلی و با در پیش گرفتن نگرشی تحلیلی، با رویکردی نشانه‌شناسانه و کاربرد آرا و نظرات علمی مطرح در این حوزه، روش خود را بیان می‌دارد. اساس این پژوهش به جهت لزوم تفسیر معنا و تحلیل‌های اجتماعی در تجزیه و تحلیل به صورت علی، مقایسه‌ای و توصیفی است. انتخاب نمونه‌های پژوهش حاضر بر اساس روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انجام گرفته است. بدین ترتیب که مطابق جدول ۲، ابتدا، فهرستی از ۱۳ خانه قاجاری شهر قزوین بر اساس گزارش میراث فرهنگی شهر (محمدزاده، ۱۳۸۵، ۱۴۱-۱۴) تهیه گردیده، سپس در بررسی وضع کنونی خانه‌ها و قابل استفاده بودن آنها به لحاظ عدم اعمال تغییرات در ساختار فضای ورودی و اهمیت حفظ شرایط پیشین بناها و نیز با در نظر داشتن ویژگی‌های درخور تأمل و خاص فضای ورودی هر یک، خانه‌های «اسدی، سید محمود بهشتی، سعدالسلطان، محمص مستشاری و زنجانچی» انتخاب گردیدند.

خانه‌های انتخابی براساس شباهت‌ها و تفاوت‌های مطرح و بیشترین تنوع فضایی و ساختاری، با در نظر داشتن الگوهایی متمایز در فضای ورودی و امکان دسترسی به صاحبان خانه‌ها یا منابع معتبر در خصوص اطمینان از نام و عملکرد فضاها، انتخاب گردیدند تا از خلال بررسی انجام شده، ارتباط ساختارهای ذهنی با تأثیرات اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری نشانه‌های فضای ورودی حاصل شود.

بر اساس شکل ۲، مدلول سوسور و تفسیر پیرس با در نظر داشتن بحث فرهنگ و تعلقات در تولید نشانه‌ها از نظر اکو در مورد فضای معماری منجر به ارائه عنصری مفهومی با دوجنبه کارکردی و غیر کارکردی «معنایی» شده که بحث ساختارهای فرهنگی و اجتماعی همچنان بر آن صادق خواهند بود. دو مفهوم کارکردی و غیر کارکردی عناصر ورودی با در نظر داشتن زمینه‌های فرهنگی و محوریت بر نقش انسان و نیازهای او در خصوص فضای ورودی، ساختار کالبدی ویژه‌ای از عناصر ورودی را نمایان ساخته که می‌تواند به عنوان صورت ظاهری نشانه به یکی از سه صورت نمایه، نماد و شمایل در چرخه‌ای تکرارپذیر مجدد به مفهوم دال و باز نمودن اولیه برگشته و تکرار مجدد را در رابطه میان صورت ظاهر، مفهوم و عوامل تأثیرگذار بر آن در خصوص اجزای فضای ورودی، اعمال سازد. بر اساس شکل ۲، نمود ظاهری نشانه بر پایه مفهوم کارکردی و غیر کارکردی آن در فضای ورودی تعریف شده و در راستای مطالعه ساختارهای فرهنگی و اجتماعی علت پیدایش آن با ظاهری منحصر به فرد و مرتبط با عملکرد مفهومی و کارکردی نشانه به صورت نمایه‌ای، نمادین و شمایی مشخص می‌گردد.

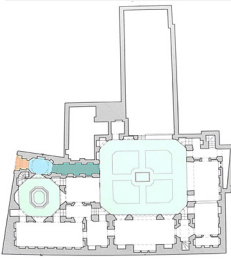
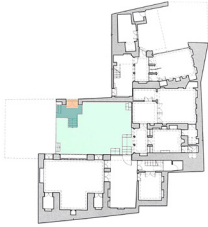
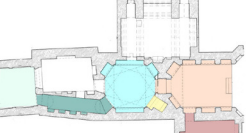
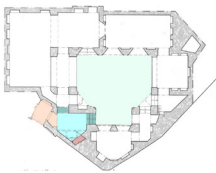
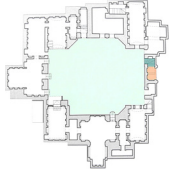
روش پژوهش

مقاله حاضر از نظر محتوا، پژوهشی کیفی است که با دیدگاه توصیفی

جدول ۲. معرفی خانه‌های قاجاری شهر قزوین

نام خانه‌ها	۱. خانه اردکانی	۲. خانه اسدی	۳. خانه بهروزی	۴. خانه سردار مفخم
بازه زمانی	قاجار	قاجار	قاجار	قاجار
وضعیت کنونی	تخریب شده	تخریب شده و در حال مرمت	با حفظ شرایط پیشین همچنان برقرار است	با حفظ شرایط پیشین همچنان برقرار است
ویژگی‌های فضای ورودی	- دارای کتیبه سردر - درب کلون دار و پیرنشین - راهرو اتصال دهنده ورودی به حیاط	- سردر ورودی مرتفع، تزئینات و کتیبه سردر، پیرنشین - هشتی و راهرو متصل به حیاط‌ها	- فاقد ورودی تعریف شده - اتصال مستقیم درب ورودی به حیاط بیرونی	- فاقد ورودی تعریف شده - بنای عمارت در مرکز محوطه حیاط قرار گرفته است
نقشه				
	(محمدزاده، ۱۳۸۵، ۹۷)	(محمدزاده، ۱۳۸۵، ۱۰۱)	(محمدزاده، ۱۳۸۵، ۱۰۵)	(محمدزاده، ۱۳۸۵، ۹۳)

ادامه جدول ۲. معرفی خانه‌های قاجاری شهر قزوین.

نام خانه‌ها	بازه زمانی	وضعیت کنونی	ویژگی‌های فضای ورودی	نقشه
۵. خانه سید محمود بهشتی	قاجار	با حفظ شرایط پیشین همچنان برقرار است	- سردر ورودی تزئین شده - پیرنشین - دارای کتیبه سردر - درب دو کوبه‌ای - هشتی - راهرو اتصال دهنده هشتی به حیاط اندرونی	 (محمدزاده، ۱۳۸۵، ۱۱۱)
۶. خانه مومنی	قاجار	تفکیک شده و تغییر یافته	فاقد ورودی تعریف شده اتصال مستقیم درب ورودی به حیاط بیرونی	 (محمدزاده، ۱۳۸۵، ۱۳۷)
۷. خانه سعدالسلطان	قاجار	تفکیک شده- با حفظ شرایط پیشین همچنان برقرار است	- دارای عرصه تعریف شده در ورودی - پیرنشین - دارای کتیبه سردر - هشتی - درب دوکوبه‌ای - راهرو اتصال دهنده هشتی به حیاط اندرونی - کالسکه‌خانه	 (محمدزاده، ۱۳۸۵، ۱۲۹)
۸. خانه محمص مستشاری (مقبره آخوند)	قاجار	تفکیک شده با حفظ وضعیت پیشین فضای ورودی	- سردر مرتفع و دارای عرصه تعریف شده در ورودی - تزئینات گچ بری، آجرکاری و کتیبه سردر - روزن، چراغ سردر ورودی و پیرنشین - هشتی ورودی - راهرو اتصال دهنده هشتی به حیاط - مسیر مهمان‌خانه از هشتی به طبقه دوم - کالسکه‌خانه - اتاق‌های پیرامون هشتی	 (محمدزاده، ۱۳۸۵، ۱۳۱)
۹. خانه امینی‌ها	قاجار	با حفظ شرایط پیشین همچنان برقرار است	- دارای دو ورودی - ورودی اول (اصلی): فاقد ورودی تعریف شده؛ اتصال مستقیم درب ورودی به حیاط بیرونی - ورودی دوم (فرعی): دارای راهرو اتصال دهنده ورودی به حیاط	 (محمدزاده، ۱۳۸۵، ۸۵)
۱۰. خانه زنجانی	قاجار	با حفظ شرایط پیشین همچنان برقرار است	- دارای عرصه ورودی تعریف شده - کتبه سردر و درب کلون‌دار - هشتی - ارتباط هشتی به کالسکه‌خانه - راهرو اتصال دهنده ورودی به حیاط و اتاق‌ها	 (محمدزاده، ۱۳۸۵، ۱۲۶)
۱۱. خانه یزدی	قاجار	با حفظ شرایط پیشین همچنان برقرار است	فاقد ورودی تعریف شده اتصال مستقیم درب ورودی به حیاط بیرونی	 (محمدزاده، ۱۳۸۵، ۱۴۱)
۱۲. خانه خطیبی	قاجار-پهلوی اول	با حفظ شرایط پیشین همچنان برقرار است	به جهت عدم انطباق با بازه زمانی تعیین شده در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار نگرفت.	
۱۳. خانه مرتضوی	قاجار-پهلوی	تخریب		

راهنمای بخش‌های ورودی: ورودی (نارنجی)، هشتی (سبز)، راهرو متصل به هشتی (بنفش)، حیاط (صورتی)، کالسکه‌خانه (قرمز)، مسیر بالاخانه هشتی (زرد)

بررسی نمونه‌های موردی

در بررسی ویژگی‌های نمونه‌های موردبررسی، اطلاعات کلی از بنا با توضیح ویژگی‌های فضای ورودی آن ارائه شده است.

مجزا قرار گرفته است. ورودی خانه دارای ارتفاعی نسبتاً کوتاه و در عقب‌رفتگی گذر اصلی و دارای عرصه واضح و تعریف‌شده است.

خانه اسدی: خانه مربوط به دوره قاجار و متعلق به یکی از تجار بزرگ شهر قزوین است. بنای خانه در خیابان مولوی شهر قزوین واقع شده و سطح زیربنای آن ۷۳۹ مترمربع است. از ویژگی‌های خانه می‌توان به دو حیاط بیرونی و اندرونی آن، هشتی مزین به رسمی‌بندی، تزئینات گچبری، آجرکاری و ارسسی و نقاشی‌های سقفی اشاره داشت. سردر ورودی خانه بسیار مرتفع و متمایز، دارای کتیبه، تزئینات آجرکاری، سه ردیف قوس و قاب‌های هلالی در بالا و پائین نما است (محمدزاده، ۱۳۸۵، ۹۶: سازمان میراث فرهنگی استان قزوین، ۱۳۹۵).

خانه سید محمود بهشتی: خانه مربوط به دوره قاجار و متعلق به یکی از تجار برجسته شهر است. بنای خانه در خیابان مولوی شهر قزوین قرار داشته و سطح زیربنای آن ۱۰۵۶ مترمربع است. ویژگی‌های شاخص بنا شامل دو حیاط بیرونی و اندرونی، تزئینات ارسسی، رسمی‌بندی، کاشی‌کاری در فضای ورودی و سایر بخش‌های خانه است (محمدزاده، ۱۳۸۵، ۱۱۰: سازمان میراث فرهنگی استان قزوین، ۱۳۹۵).

بررسی سافت‌ار فضای ورودی نمونه‌های انتخابی

با تکیه بر جنبه‌های معنایی و مؤثر در نشانه‌های فضای ورودی و در نظر داشتن علل کارکردی آنها، تأثیرگذارترین عوامل در شکل‌گیری اجزا و عناصر فضای ورودی در نمونه‌های پژوهش مطرح می‌شوند تا بدین ترتیب ارتباط میان صورت فیزیکی نشانه‌های فضای ورودی و عوامل تأثیرگذار بر معنای عملکردی و مفهومی آنها بررسی شود.

ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در فضای ورودی خانه‌های قاجار: در این قسمت با تکیه بر جلوه‌های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و با در نظر داشتن جنبه‌های کارکردی عناصر، تأثیرگذاری آنها در شکل‌گیری فضای ورودی بررسی شده است. «ورودی هر فضا اولین مکانی است که با حضور در آن خصوصیات کلی فضا، آداب ورود، حد خصوصی و عمومی بودن و سایر ویژگی‌های فضا کشف می‌شود. ورودی بیش از هر چیز، مفصلی برای اتصال دو مکان است و نه تیغه‌ای برای تفکیک آنها. لذا فضایی است که می‌تواند وقایع مختلف را در خود جای دهد» (پاکزاد، ۱۳۸۹، ۸۴). ورودی خانه نقطه عطفی به حساب می‌آید که علاوه بر تلقی آن به‌عنوان محل گذر، نمادهای بیرون سردر پیام ساکنان و آداب حریم خانه را بازگو می‌کنند (اکبری، ۱۳۸۳، ۱۶۶).

خانه محمص مستشاری: خانه محمص مستشاری «مقبره آخوند» مربوط به دوره قاجار بوده و در محله آخوند شهر قزوین واقع شده است (محمدزاده، ۱۳۸۵، ۱۳۰). این بنا در ابتدا به‌عنوان مدرسه ملاخیلای قزوینی و سپس به دلیل «از یاد جمعیت و یا کمبود زمین» (حاجی‌آقا محمدی، ۱۳۷۷، ۱۰۶) و به دلایل سیاسی و متروک ماندن مدرسه، به خانه تبدیل گشت (سازمان میراث فرهنگی استان قزوین، ۱۳۹۵). بانی آن محمص مستشاری از خاندان ادیب آن دوره بوده است. مساحت زیربنای خانه ۴۷۰۰ مترمربع است (محمدزاده، ۱۳۸۵، ۱۳۰) و مانند سایر خانه‌های قاجاری شامل دو بخش اندرونی و بیرونی است. از ویژگی‌های مهم بنا هشتی ورودی و هم‌جواری مقبره آخوند ملاخیلا با خانه، تزئینات گچ‌بری، ارسسی و رسمی‌بندی آن است. هشتی خانه دارای تزئینات کاربندی و سقف مستطیل شکل بوده و طاق‌نماهایی دورتادور آن به‌صورت طاقچه کار گذاشته شده، جلوخان با نمای آجری دارای سه طاق‌نمای دوطبقه و قرینه و تزئینات آجرکاری و طرح‌های گیاهی است. ورودی دارای پیر نشین و طاقچه‌هایی در اطراف و عرصه تعریف شده‌است که از طریق عقب‌رفتگی نسبت به گذر اصلی ایجاد گشته است. نشانه‌های خانه به جهت مدرس بودن در گذشته و جایگاه اجتماعی هر دو مالک خانه درخور تأمل است.

خانه زنجانی: خانه متعلق به یکی از تجار قزوین و مربوط به اواخر دوره قاجار بوده که در خیابان مولوی شهر قزوین واقع گردیده‌است. مساحت زیربنای خانه ۴۹۹ مترمربع و مهم‌ترین ویژگی آن تزئینات ارسسی است (محمدزاده، ۱۳۸۵، ۱۲۵). درب ورودی خانه در گذر فرعی و در یک عقب‌رفتگی قرار گرفته که به دلیل کم بودن فضای مقابل درب فاقد پیرنشین است. اجزای ورودی، ابعاد و ارتفاع آن بسیار کم است. تزئینات به‌کاررفته در خانه در قسمت اندرونی و فضای داخلی است و ورودی از جهت عملکردی و ارتباطات فضایی قابل‌بررسی است.

خانه سعدالسلطان: خانه متعلق به اواخر دوره قاجار است که در نزدیکی امامزاده علی شهر قزوین واقع گردیده و بانی آن سعدالسلطان پیشکار دستگاه سعدالسلطنه است. مساحت زیربنای خانه ۹۹۴ مترمربع و مهم‌ترین ویژگی آن تزئینات ارسسی، گچ‌بری و رسمی‌بندی است (محمدزاده، ۱۳۸۵، ۱۲۸). طبق گفته صاحب‌خانه بخشی از کتیبه سردر تخریب شده و فضای کالسکه خانه به‌عنوان یک ساختمان

پیام‌هایی که از این طریق به مخاطب منتقل می‌شود، متأثر از شرایط اجتماعی و فرهنگی و نیازهای کارکردی است که به آنها اشاره خواهد شد. لازم به ذکر است هریک از اجزا و عناصر فضای ورودی براساس ویژگی خاص خود می‌تواند به‌طور هم‌زمان تحت تأثیر چند عامل از عوامل ذکر شده «شرایط اجتماعی-فرهنگی، مذهبی، کارکردی و سایر موارد» شکل گرفته‌باشد که در این مطالعه توضیحات بر مبنای عاملی که نقش محوری در شکل‌گیری عناصر دارد، صورت گرفته‌است.

مناسبات مذهبی: ساختار و کارکرد خانه‌ها در دوره قاجار براساس مناسبات مذهبی، نظام خانوادگی ایرانی و شغل سرپرست خانواده شکل گرفته‌است. براساس ملاحظات مذهبی این دوره مبنی بر جدایی زنان و مردان، علاوه بر تقسیم فضای خانه به بخش اندرونی و بیرونی (Mahdavi, 2012, 357)، نمود این اعتقادات در محدوده فضای ورودی هم به صورتی پررنگ قابل مشاهده است.

مسیر حرکت طولانی یا شکسته دالان متصل به هشتی: دالان باریکی به شکل شکسته و به‌صورت غیرمستقیم اتصال‌دهنده فضای هشتی به حیاط است که به‌واسطه ویژگی کالبدی خود تأمین‌کننده حداکثر محریمیت به فضای حیاط می‌گردد (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲، ۷۸). گاهی به‌جای دالان اختلاف سطح ایجاد شده میان هشتی و حیاط، دید را مسدود کرده و موجب حفظ حریم حیاط می‌شود. با توجه به این‌که اتصال سریع ورودی به حیاط اهمیت چندانی ندارد، این دالان معمولاً از گوشه به حیاط منتهی می‌شود (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲، ۱۶۰). ساختار فضایی هشتی در نمونه‌های مورد بررسی در جدول ۳ مشخص شده است.

درب دو کوبه‌ای: کوبه که از آن به‌عنوان دق الباب یاد می‌شود به‌صورت مجزا برای زنان و مردان ساخته‌شده است (Mahdavi, 2012, 357). این درکوبه‌ها نشأت گرفته از فرهنگ اسلامی و رعایت مسئله محریمیت است که هم جنبه کارکردی [اطلاع رسانی] و نمادین داشته و هم محملی برای شکل‌گیری نمادهای تصویری جهت زیبایی این عناصر بوده است که به‌صورت کنده‌کاری نقوش و آرایه‌های هنری در برخی درکوبه‌ها قابل مشاهده است (اکبری، ۱۳۸۳، ۱۷۰). بدین ترتیب که یکی از آنها دارای ظاهری ظریف و صدای خفیف مختص زنان و دیگری ظاهری مستحکم و صدای بم برای مردان بوده است (Mahdavi, 2012, 357). تصویر کوبه‌های درب در شکل ۳ آمده است.

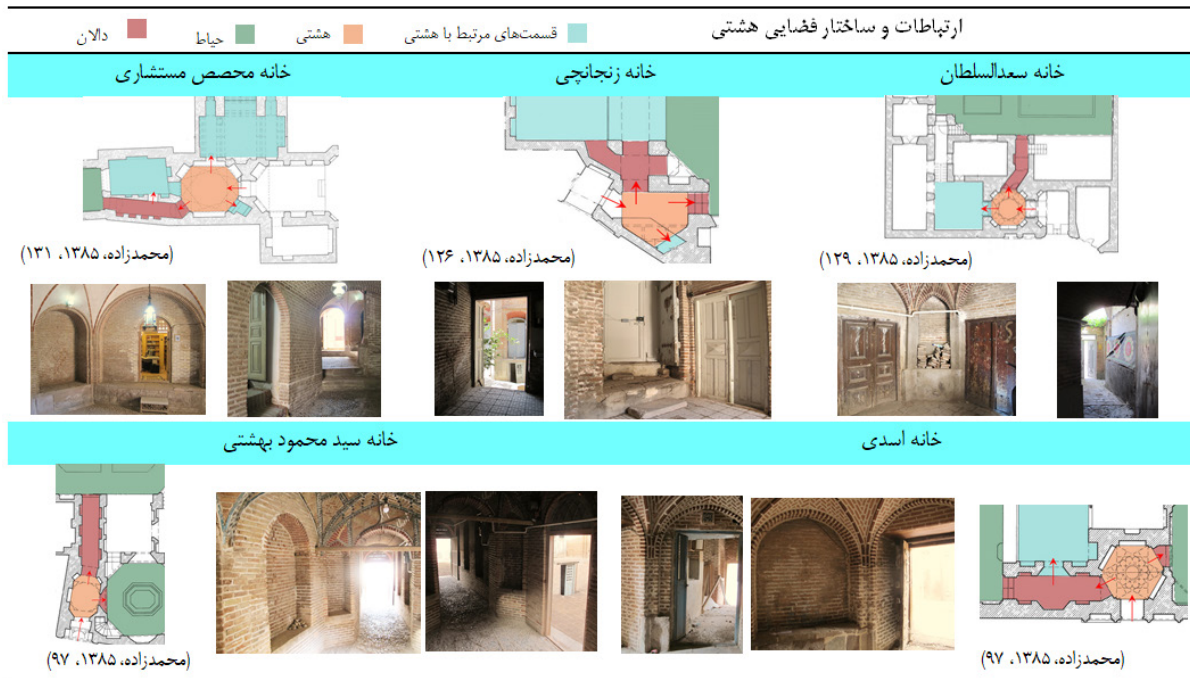
تزئینات به‌کاررفته: در این مورد تأثیرپذیری از احکام و جهان‌بینی اسلامی به‌صورت قابل ملاحظه‌ای دیده می‌شود. اجتناب از کاربرد تصویر انسان در تزئینات منجر به استفاده بیشتر از نقوش هندسی و گیاهی گردیده‌است (سلطان‌زاده به نقل از حاجی‌خوری، ۱۳۷۲، ۲).

کتیبه‌ها: متن کتیبه‌های موجود در سردر، غالباً گویای اعتقادات مردم است. این متون معمولاً از میان آیات قرآن یا احادیث و به لحاظ

شکل ۳. کوبه‌های درب ورودی؛ از راست به چپ: حلقه مختص زنان، کوبه مختص مردان.



جدول ۳. ساختار فضایی هشتی در مجاورت با دالان و فضاهای اطراف.



جدول ۴. تزئینات سردر ورودی.



چنانچه از قول عبدالله مستوفی نقل شده، در آن زمان کوچه‌ها چراغ نداشتند و تنها خانه‌های اعیان دارای چراغ فانوس بوده که بزرگی این فانوس خود نشان از جایگاه اجتماعی صاحب‌خانه داشته است (مستوفی، ۱۳۸۶، ۳۳۷). خانه‌های رجال نیز دارای کالسکه‌خانه و سرطویله بوده که برای حفاظت اسب‌ها و کالسکه‌ها ساخته شده‌است (شهری، ۱۳۷۱، ۱۹۱). علاوه بر این تزئینات پرکار سردر هم می‌تواند بیانگر چنین مفاهیمی باشد (جدول ۵). در مقابل، به دلایلی چون، اعتقاد به این که نمایش داشته‌ها موجب از دست رفتن آنها می‌شود (اکبری، ۱۳۸۳، ۲۳۱) یا به دلیل تحولات اجتماعی و تاریخی و خطر حمله بیگانگان (شاردن به نقل از سلطان‌زاده، ۱۳۷۲، ۶۲ و ۶۰) سردرهای ورودی حتی در مورد خانه‌های اعیان گاهی به صورت ساده و با حداقل تزئینات ساخته می‌شد. چنانچه در خانه سعدالسلطان و زنجانچی این مسئله مشاهده می‌گردد.

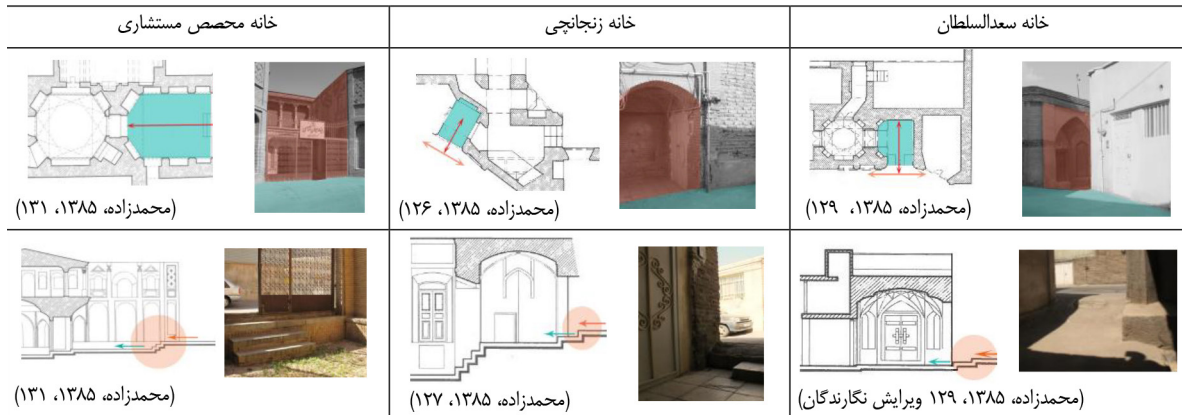
موضوعی مرتبط با فضای ورودی انتخاب گردیده‌است (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲، ۱۸۲). مضمون کتیبه‌ها بیشتر بر توحید، وحدت کیشی، حفاظت در برابر شر و افزایش خیرورکت برای اهل خانه، تکیه داشته که در نتیجه تمامی موارد فوق نیاز به امنیت را در راستای حفظ ارزش‌ها برآورده ساخته و احساسی از آرامش را به ارمغان آورده‌است (اکبری، ۱۳۸۳، ۲۶۶ و ۱۹۱). در جدول ۴ بخشی از تزئینات ورودی مشخص شده است.

منزلت و جایگاه اجتماعی: از دیگر عوامل تأثیرگذار و وابسته به شرایط اجتماعی منزلت و شأن اجتماعی صاحب‌خانه است که به صورت‌های مختلف در معماری خانه و فضای ورودی نمود پیدا کرده‌است. در برخی بناها با بزرگی و ابعاد هشتی (کاتب، ۱۳۸۴، ۱۷۰)، سردرهای مرتفع و بلند و در برخی دیگر به وسیله چراغ جلوی درب.

جدول ۵. نمای ورودی خانه بر اساس موقعیت اجتماعی صاحب‌خانه.



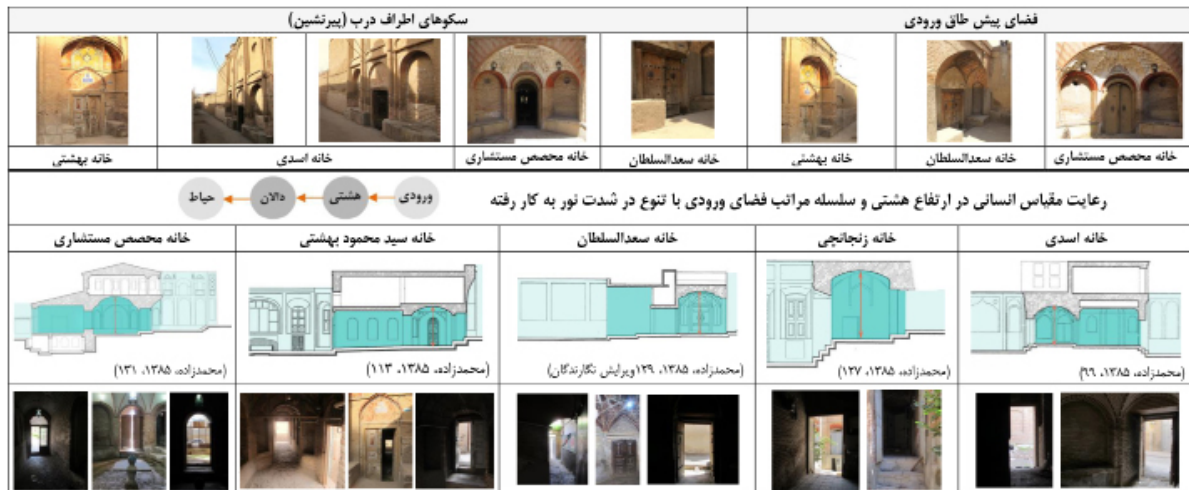
جدول ۶. قرارگیری ورودی نسبت به معبر.



تصویری زیبا به رهگذر (اکبری، ۱۳۸۳، ۱۹۲)، سکوه‌های اطراف ورودی جهت رفع خستگی عابرین، گفت‌وگو و گذران اوقات فراغت، اختلاف سطح میان آستانه درب و معبر جهت ورود با تانی به خانه (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲، ۱۷۴ و ۹۳) و در نتیجه آن محترم شمردن حریم خانه و ساکنان آن، نمونه‌هایی از نمود الگوهای رفتاری در فضای ورودی است. علاوه بر این روزن اطراف درب که موجب روشنایی هشتی در روز و معبر

الگوهای رفتاری: الگوهای رفتاری بیشتر مباحثی چون مهمان‌نوازی، احترام به حقوق دیگران و حریم خانه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. به‌عنوان مثال، قرارگیری ورودی عقب‌تر از لبه معبر نشان از دعوت‌کنندگی است. این عقب‌رفتگی با ایجاد سایه و حفاظت در برابر برف و باران (حائری، ۱۳۸۸، ۱۲۸) احترام به حضور انسان را به همراه دارد (جدول ۶). علاوه بر این تزئینات نما و قاب‌بندی دیوارها جهت ارائه

جدول ۷. نشانه‌های شکل‌گرفته بر اساس الگوی رفتاری.



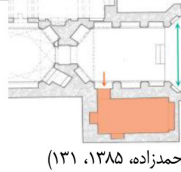
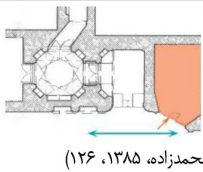






فیزیکی «ظرافت یا زمختی» و صدای تولیدشده «زیر و بم»، به صورت شمایی و با دو عنوان چکش «مختص مردان» و حلقه «مختص زنان»، (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲، ۹۲) شناخته شده و مورد استفاده قرار می‌گرفتند. در اینجا شکل ظاهری به واسطه الگوهای ذهنی در مورد ویژگی‌های زنان و مردان به صورتی شمایی، کاربردی در معماری را مشخص می‌کند.

نیاز کارکردی: موارد بررسی شده در این قسمت ضمن رفع نیاز کارکردی دارای وجوه اشتراک با دسته‌بندی‌های بالا می‌باشند. این مسئله بیانگر وجود مفاهیم پنهان در نشانه‌های کارکردی است که تحت تأثیر پیش‌فرض‌های ذهنی و شرایط اجتماعی و فرهنگی انسان شکل گرفته‌اند. به‌عنوان مثال در مورد کتیبه‌های سردر ورودی که علاوه بر مناسبات مذهبی ذکر شده، به سبب ارائه اطلاعاتی پیرامون نام احداث‌کننده بنا، سفارش‌دهنده یا هنرمند و سازنده سردر و تاریخ احداث، به‌عنوان یک شناسنامه تاریخی (اکبری، ۱۳۸۳، ۱۸۶ و ۱۷۵-۱۷۴)، دارای ابعاد کارکردی می‌باشند. وجود کالسکه‌خانه و سرطوبله ضمن خبر از موقعیت اجتماعی، به دلیل نگهداری از اسب‌ها و درشکه‌ها (شهری، ۱۳۷۱، ۱۹۱) یادآور جنبه کاربردی نیز می‌باشند که به دلیل رعایت بهداشت عموماً در قسمت بیرونی خانه یا با دری مجزا از گذر، در نظر گرفته می‌شوند. (جدول ۸) به علاوه عناصری چون روزن اطرف درب در راستای تأمین روشنایی برای هشتی و معبر، چراغ پیش‌طاق ورودی (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲، ۱۰۲)؛ بالاخانه هشتی در ارتباط با ورودی و بخش بیرونی برای پذیرایی از مهمانان ناخوانده (اکبری، ۱۳۸۳، ۱۸۶) کوبه‌های درب با کارکرد اطلاع‌رسانی (عمرانی پور، ۱۳۸۴، ۱۲۳)؛ اختلاف سطح آستانه ورودی مانعی جهت ورود خاک به داخل هشتی (پیرنیا، ۱۳۷۱، ۱۵۹)؛

در شب می‌شود، می‌تواند مثالی جهت احترام به رهگذر و مهمان‌خانه باشد که از سوی صاحب‌خانه در نظر گرفته شده است. رعایت مقیاس انسانی در ارتفاع هشتی با استفاده از کاربردی‌های سقف و احترام به حضور انسان، ایجاد سلسله‌مراتب با شدت نور متفاوت در فضای ورودی، هشتی و حیاط به جهت ایجاد آمادگی برای ورود به خانه و در نهایت پیش‌طاق که به جهت جداسازی فضای مکث از فضای عبور فرد، بر ارزش خانه و آداب ورود به آن تأکید دارد، از جمله مواردی است که با تکیه بر فرهنگ مردم آن روزگار شکل گرفته است. در جدول ۷ الگوهای رفتاری در ارتباط با عناصر فضای ورودی مشخص شده است.

عناصر نمادین و شمایی: ورود، کلماتی چون دعوت، پذیرش و تمامی صفاتی که تاکنون فضای ورودی با آن توصیف گردید، به‌طور کلی دال بر معنای نمادین این فضا می‌باشند. تمامی دسته‌بندی‌های مذکور به جهت آن که به مفهومی ورای شکل ظاهری خود اختصاص دارند در دسته نمادها قرار می‌گیرند. در پیش گرفتن دیدگاه نمادپردازانه به عناصر ورودی، تحقیقی مفصل است که شرح آن در چارچوب این مطالعه نمی‌گنجد و در اینجا منظور از نشانه‌های نمادین آن دسته از عناصر فضای ورودی است که بیش‌تر بر مفاهیم ذهنی و متأثر از باورها اشاره دارند. به‌عنوان مثال منع از کشیدن تمثال انسان و حیوان به دلایل مذهبی (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲، ۱۳۲)، کاربرد نقوش گیاهی و تصاویر طبیعت در تزئینات، می‌تواند به صورتی نمادین در ذهن انسان، تداعی گر نام خداوند باشد. برخی از این نقوش گیاهی دلالت بر مفاهیم خاصی دارند، مانند درخت سرو که نمایش آن بر سردر خانه نشان تشریف صاحب‌خانه به مکه است (اورسل، ۱۳۵۳، ۱۱۷). علاوه بر نمادهای موجود در نقوش تزئینی، کوبه‌های درب از نظر شکل

جدول ۸. قرارگیری کالسکه‌خانه مرتبط با ورودی.

کالسکه‌خانه و سرطوبله		
خانه محصل مستشاری	خانه سعدالسلطان	خانه زنجانی
<p>ورودی کالسکه‌خانه از جلوخان؛ پیش از سردر ورودی و متصل به بنا</p>  <p>(محمدزاده، ۱۳۸۵، ۱۳۱)</p>	<p>ورودی کالسکه‌خانه «سرطوبله» از گذر اصلی و به صورت مجزا از بنا</p>  <p>(محمدزاده، ۱۳۸۵، ۱۲۶)</p>	<p>ورودی سرطوبله از داخل هشتی به سمت زیرزمین</p>  <p>(محمدزاده، ۱۳۸۵، ۱۲۹)</p>
 		 

جدول ۹. نمود عوامل کارکردی و غیر کارکردی نشانه‌ها در کالبد فضای ورودی

عوامل تشکیل‌دهنده نشانه (غیر کارکردی و کارکردی)		ساختار و ویژگی‌های کالبدی	
مجموعه ورودی و سردر	غیر کارکردی	اعتقادات مذهبی	نام خدا و افزایش خیروبرکت، دوری از پلیدی (اکبری، ۱۳۸۳، ۲۶۶ و ۱۹۱)؛ عدم استفاده از تمثال انسان و حیوان در تزئینات (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲؛ حاجی‌علیمحمدی، ۱۳۷۲، ۲)
		جایگاه اجتماعی	سردرهای بلند و مرتفع، با تزئینات؛ چراغ جلوی درب (مستوفی، ۱۳۸۶، ۳۳۷)
مجموعه ورودی و سردر	غیر کارکردی	الگوی رفتاری	تزئینات نما و ایجاد تصویر زیبا برای مخاطب (اکبری، ۱۳۸۳، ۱۹۲)؛ ورودی عقب‌تر از لبه معبر، گشودگی و ایجاد سایه (خاثری، ۱۳۸۸، ۱۲۸)؛ پیر نشین و رفع خستگی عابری؛ اختلاف سطح میان آستانه و معبر جهت ورود به آرامی (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲، ۱۷۴ و ۹۳)؛ روزن اطراف درب با انتقال نور و ایجاد روشنایی احترام به مراجعه‌کننده و عابر؛ پیش طاق ورودی جهت جداسازی مسیر عبور از مکث، تأکید بر حریم خانه
		نوع نمود به صورت نشانه	۱) نماد «رابطه دلخواه و قراردادی براساس دلالت‌های فرهنگی» ۲) شمایل «رابطه مبتنی بر تشابه» ۳) نمایه‌ای «رابطه علت و معلولی»
مجموعه ورودی و سردر	غیر کارکردی	کارپردی	۱) نقوش گیاهی «طبیعت» تزئینات تداعی‌گر یاد خداوند؛ نقش سرو نماد تشریف صاحب‌خانه به مکه (اورسل، ۱۳۵۳، ۱۱۷) ۲) تزئینات سردر، سکوی پیرنشین ۳) ورودی عقب‌تر از معبر، اختلاف سطح آستانه و معبر، چراغ سردر و روشنایی، روزن، پیش طاق ورودی، کتیبه
		کارپردی	– ارائه اطلاعاتی تاریخی و هنری پیرامون خانه – امکاناتی برای راحتی اهل خانه در رفت‌وآمد و استفاده از هشتی – سکوی اطراف درب جهت سوارشدن بر چهارپایان (پیرنیا، ۱۳۸۷، ۱۴۳) – تأمین روشنایی از طریق روزن‌ها (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲، ۱۰۲) و چراغ مقابل درب – اختلاف سطح میان آستانه و معبر جهت جلوگیری از ورود خاک به داخل (پیرنیا، ۱۳۷۱، ۱۵۹)
درب ورودی	غیر کارکردی	اعتقادات مذهبی	جدایی زن و مرد، لزوم رعایت محرمیت (Mahdavi, 2012, 357)
		جایگاه اجتماعی	درب دوکوبه‌ای دارای طرح‌های متنوع کنده‌کاری شده روی درب و کوبه‌های آن
درب ورودی	غیر کارکردی	الگوی رفتاری	– مهمان‌نوازی و احترام به حقوق دیگران – محترم شمردن حریم خانه و آداب ورود با کسب اجازه
		نوع نمود به صورت نشانه	۱) شمایل «رابطه مبتنی بر تشابه» ۲) نمایه‌ای «رابطه علت و معلولی»
درب ورودی	غیر کارکردی	کارپردی	– کارکرد اطلاع‌رسانی برای کوبه (عمرانی‌پور، ۱۳۸۴، ۱۲۳) – نگهداری و اتصال الوارهای درب (اکبری، ۱۳۸۳، ۲۳۲)
		کارپردی	– بستن به کاربرد نوع کوبه اطلاع از جنسیت مراجعه‌کننده – استفاده از گل‌میخ روی درب

مجموعه ورودی و سردر

درب ورودی

ادامه جدول ۹. نمود عوامل کارکردی و غیر کارکردی نشانه‌ها در کالبد فضای ورودی.

عوامل تشکیل دهنده نشانه (غیر کارکردی و کارکردی)		ساختار و ویژگی‌های کالبدی	
هشتمی	غیر کارکردی	اعتقادات مذهبی	خصوصی سازی فضای خانه و رعایت حریمیت مسیرهای مختلف از هشتی به بخش‌های مختلف اندرونی و بیرونی (مستوفی، ۱۳۸۶، ۲۵۷)
		جایگاه اجتماعی	مسیر ورود به حیاط شکسته و طولانی (سلطان زاده، ۱۳۷۲، ۷۸) گاه با اختلاف سطح جهت مسدود کردن دید هشتی با ابعاد بزرگ و دارای تزئینات (کاتب، ۱۳۸۴، ۱۷۰)
		الگوی رفتاری	- مهمان نوازی و احترام به حقوق دیگران - محترم شمردن حریم خانه - رعایت مقیاس انسانی در ارتفاع هشتی و سلسله مراتب با تغییر شدت نور جهت آمادگی ورود به خانه - انتظار مراجعه کننده در هشتی جهت احترام به او - فضای بالاخانه هشتی در ارتباط مستقیم با هشتی برای پذیرایی از مهمان ناخوانده (اکبری، ۱۳۸۳، ۱۸۶)
کارکردی	سوسور و اکو	نوع نمود به صورت نشانه	۱) شمالی «رابطه مبتنی بر تشابه» ۲) نمایه‌ای «رابطه علت و معلولی»
		کاربردی	- جهت راحتی صاحب‌خانه و مراجعه کننده - سکوی دور هشتی برای استراحت، استفاده از فضای خنک هشتی در بدو ورود، تعبیه طاقچه‌هایی برای وسایل
عوامل تشکیل دهنده نشانه (غیر کارکردی و کارکردی)		ساختار و ویژگی‌های کالبدی	
کالسکه خانه (سرطوبله)	غیر کارکردی	جایگاه اجتماعی	تحت تأثیر شغل و موقعیت اجتماعی صاحب‌خانه (شهری، ۱۳۷۱، ۱۹۱)
		نوع نمود به صورت نشانه	۱) شمالی «رابطه مبتنی بر تشابه» ۲) نمایه‌ای «رابطه علت و معلولی» ۱) ابعاد بزرگ و دارای تجهیزات، نشان جایگاه اقتصادی و اجتماعی ۲) حفاظت از اسب‌ها، درشکه‌ها (شهری، ۱۳۷۱، ۱۹۱)
		کارکردی	جهت نگهداری اسب‌ها و درشکه‌ها کالسکه خانه یا سرطوبله در فضای بیرونی و مجزا به سبب رعایت بهداشت
کالسکه خانه (سرطوبله)	غیر کارکردی	سوسور و اکو	تحت تأثیر شغل و موقعیت اجتماعی صاحب‌خانه (شهری، ۱۳۷۱، ۱۹۱)
		پیرس	۱) شمالی «رابطه مبتنی بر تشابه» ۲) نمایه‌ای «رابطه علت و معلولی»
		کارکردی	جهت نگهداری اسب‌ها و درشکه‌ها کالسکه خانه یا سرطوبله در فضای بیرونی و مجزا به سبب رعایت بهداشت

هشتمی

کالسکه خانه (سرطوبله)

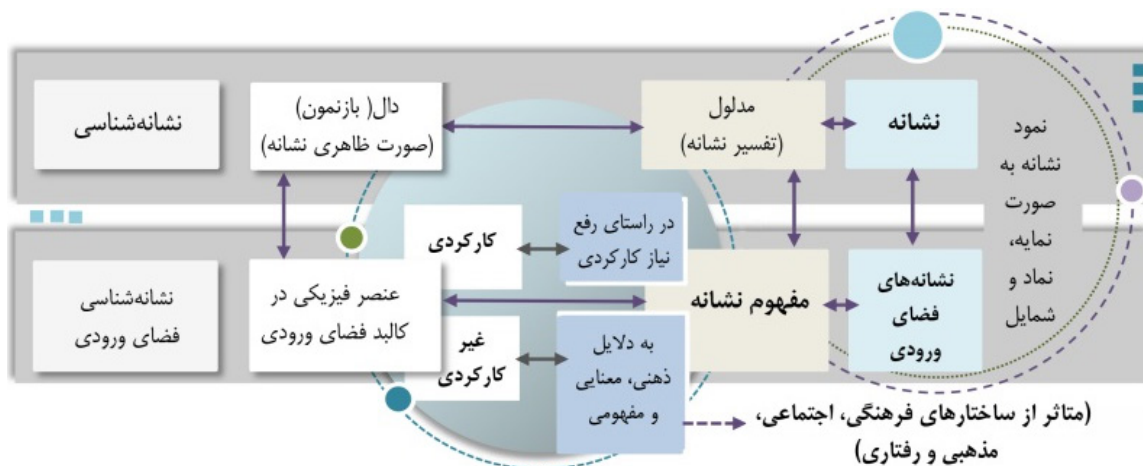
هویت شهر

شماره سی و چهارم / سال دوازدهم / تابستان ۱۳۹۷

۱- نتیجه‌گیری

بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده می‌توان چنین عنوان کرد که مفاهیم معنایی، مفهومی و ذهنی به‌عنوان عامل اصلی در شکل‌گیری نشانه‌های فضای ورودی دخیل بوده‌است. این عوامل در خصوص جنبه‌های کارکردی فضا نیز اثرگذار بوده و عامل جدایی‌ناپذیر در شکل‌گیری عناصر فضای ورودی محسوب می‌شود. بر این اساس می‌توان دستاورد پژوهش حاضر را در کاربرد روش فلسفی نشانه‌شناسی با حفظ ماهیت آن در خوانش عناصر فضای معماری دانست. رویکرد به‌کار رفته به‌صورت همه‌جانبه ضمن بیان رابطه قراردادی میان صورت عناصر فضای ورودی و دلیل کاربردی آنها، آن بخش از نشانه‌های فضای ورودی که به علت عدم کارکرد خاص، تنها تزئینی و بی‌فایده تلقی می‌شدند را در خوانش لایه‌های عمیق معنایی در رجوع به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی دوره موردبررسی پژوهش حاضر توجیه کرده و در تعامل دیدگاه‌های نظریه‌پردازان پژوهش، خوانش نشانه‌های فضای ورودی را در زمینه‌های عمیق‌تر در رابطه با ساکنان و کاربران فضا و الگوهای رفتاری و مذهبی تأثیرگذار در ایجاد کالبد معنادار برای عناصر فضای ورودی، فراهم آورده‌است. طبق شکل ۴ می‌توان ویژگی‌های کالبدی نشانه‌های فضای ورودی را هم در راستای رفع نیاز کاربردی و هم به‌واسطه القای مفاهیم ذهنی در هماهنگی با زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، رفتاری و مذهبی در ارائه کالبدی معنادار و در قالب نشانه‌ای به‌صورت نمایه، نماد و شمایل مطرح کرد. کاربرد دیدگاه نشانه‌شناسی سوسور، پیرس و اکو با توجه به ارتباط تعاملی میان آنها، بررسی گسترده در زمینه‌های مختلف ذهنی، عینی و کالبدی و مفهومی را در بررسی فضای ورودی فراهم می‌آورد. بدین ترتیب که نوع ارتباط میان دال و مدلول سوسور و بازنمون و تفسیر پیرس به‌صورت مستقیم در یافتن معانی میان صورت ظاهری نشانه‌های فضای ورودی «دال، بازنمون» و صورت معنایی و مفهومی آن «مدلول، تفسیر» به کار گرفته‌شده که در ضمن بیان ارتباط مستقیم میان دال و مدلول یا به عبارتی صورت ظاهر و مفهوم نشانه و اثرگذاری نشانه‌ها بر یکدیگر با کاربست دیدگاه اکو، بر مبنای محوریت نقش فرهنگ و زمینه در شکل‌گیری علائم و نشانه‌ها مفهوم دقیق‌تری از عناصر فضای ورودی خانه‌های قاجاری شهر قزوین بسته به ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، رفتاری و مذهبی ارائه می‌دهد. طبق جدول ۹ در فضای ورودی توضیحی از چگونگی ترکیب عوامل کارکردی و غیرکارکردی، نمود در کالبد معماری و در نهایت معرفی آن به‌عنوان نشانه ارائه شده‌است. درعین حال همپوشانی و انعطاف‌پذیری در بسیاری از موارد میان علل کارکردی و غیرکارکردی وجود دارد.

سکوهایی دورتادور هشتی جهت استراحت و استفاده از فضای مطبوع با طاقچه‌هایی جهت نگهداری وسایل؛ گل‌میخ برای اتصال الوارهای درب (اکبری، ۱۳۸۳، ۲۳۳)؛ سکوی اطراف درب ورودی که علاوه بر اهمیت به لحاظ یک الگوی رفتاری، جهت سهولت سوارشدن پشت چهارپایان مورد استفاده قرار می‌گرفت (پیرنیا، ۱۳۸۷، ۱۴۳)، از مواردی هستند که ضمن دارا بودن ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی می‌توانند مبین دلایل کارکردی نیز باشند. با توجه به توضیحات ارائه‌شده می‌توان جدول ۹ را در خصوص ارتباط بررسی‌های صورت گرفته در فضای نمونه‌های موردی، با رویکرد نشانه‌شناسی مطرح کرد. بدین ترتیب که جنبه‌های مفهومی و معنایی نشانه که در مدلول سوسور و تفسیر پیرس و تأثیر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی خلاصه می‌شوند در رابطه با خصوصیات کارکردی و غیر کارکردی «معنایی و مفهومی» فضای ورودی نمونه‌های موردی بررسی‌شده و علل شکل‌گیری عناصر و اجزای فضای ورودی در بررسی نشانه‌شناسانه در خصوص بیان رابطه مفهومی میان ساختار فیزیکی نشانه - که به‌صورت نمایه، نماد و شمایل ظاهر می‌شود- و علل کارکردی و معنایی آن مطرح می‌شوند. با توجه به شکل ۲ در رابطه با رویکرد نشانه‌شناسی سوسور، پیرس و اکو در فرآیند خوانش نشانه‌ها در معماری و ارتباط با نمونه‌های انتخاب‌شده، جدول ۹ جهت قیاس میان مبانی نظری تحقیق و دستاوردهای این پژوهش ارائه گردیده‌است که در آن کاربرد نشانه‌شناسی در شناخت نشانه‌ها از طریق مطالعات اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری عناصر کالبدی فضا نمایان شده است. با توجه به جدول ۹ در نگاه کارکردی و غیر کارکردی به هر جز از فضای ورودی با در نظر داشتن دیدگاه سوسور، پیرس و اکو، تفکیکی از بخش‌های مختلف فضای ورودی صورت گرفته که در راستای آن، شکل‌گیری و نمود هر نشانه بر اساس عوامل مختلف مذهبی، اجتماعی، فرهنگی و نیاز کاربردی ساکنان براساس نوع نمود به‌صورت نمایه، نماد و شمایل مشخص شده‌است. از میان عوامل تأثیرگذار در دودسته کلی کارکردی و غیر کارکردی «معنایی و مفهومی» در خصوص نشانه‌های فضای ورودی نمونه‌های مورد بررسی، اثرگذارترین عامل در حوزه غیر کارکردی «معنایی و مفهومی» قرار دارد که علت ایجاد بخش‌های مختلف فضای ورودی را در ارجاع به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، رفتاری و مذهبی مخاطبان و استفاده‌کنندگان فضا جستجو می‌کند و بدین ترتیب در کاربست رویکرد نشانه‌شناسانه در پژوهش‌های معماری، بررسی لایه‌های عمیق‌تر را نسبت به قضاوت سطحی از نقش صرفاً عملکردی فضاها به ارمغان می‌آورد.



شکل ۴. شکل‌گیری عناصر فضای ورودی در ترکیب مفاهیم ذهنی و عناصر فضایی در رویکردی نشانه‌شناسانه.

الگوهای رفتاری، اعتقادات مذهبی، شرایط اجتماعی، نیاز کارکردی و به‌طور کلی «مفاهیم ذهنی» با عناصر فضایی «عینی» است که با در نظر داشتن ویژگی‌های متناسب کالبدی در نهایت به ایجاد فرمی مناسب با تصویر ذهنی منجر می‌شود.

۱- پی‌نوشت‌ها

1. Ferdinand de Saussure
2. Charles Sanders Peirce
3. Umberto Eco
4. Yuri Mikhailovich Lotman
5. Amos Rapoport
6. Clare Cooper

۲- فهرست مراجع

۱. احمدی، بابک. (۱۳۷۱). از نشانه‌های تصویری تا متن. تهران: مرکز.
۲. احمدی، بابک. (۱۳۷۵). ساختار و تاویل متن؛ نشانه‌شناسی و ساختارگرایی. (جلد ۱). تهران: مرکز.
۳. اکبری، طاهره. (۱۳۸۳). تحلیل و بررسی مردم‌شناسی نمادهای در و سردر ورودی خانه‌ها (مطالعه موردی منطقه ۳ شهرداری تهران). پایان‌نامه

به‌عنوان مثال در مجموعه ورودی و سردر، اشتراکات بیشتر میان الگوهای رفتاری و کاربردی دیده می‌شود که در ترکیب باهم مجموعه فضای ورودی را شکل داده‌اند. در مورد درب ورودی پیوستگی میان هدف کاربردی برپایه رابطه دال و مدلولی که همان کارکرد اطلاع‌رسانی است با نشانه به‌صورت شمایی در قالب کوبه‌های درب محقق گشته که درعین حال ترکیب این دو «هدف کاربردی به‌صورت شمایل» تأکید بر الگوی رفتاری و کسب اجازه برای ورود به حریم خانه را به دنبال دارد. فضای هشتی نیز در درجه اول با تأکید و اولویت اعتقادات مذهبی آن زمان و الگوهای رفتاری شکل گرفته و سپس اجزا و عناصری در راستای نیاز کاربردی به‌تناسب موقعیت صاحب‌خانه به آن اضافه گردیده است. در مورد فضای سرطویه و کالسکه‌خانه دو عامل کاربردی و جایگاه اجتماعی تأثیر گذارند. این فضا گاه در داخل خانه و بیشتر جهت نگهداری دام و طیور مورد استفاده بوده که در این حالت نقش اجتماعی آن کم‌رنگ‌تر مطرح می‌شود و گاه به سبب جایگاه بالا و شأن اجتماعی صاحب‌خانه در بیرون خانه با دری مجزا و در دسترس دید است در حالیکه جنبه کاربردی آن جهت حفاظت اسب‌ها و درشکه‌ها همچنان به قوت خود باقی خواهد بود. در راستای این مطالعه در بازخوانی نشانه‌های فضای ورودی به صورتی جزئی و از منظر نشانه‌شناسانه، در مسیر بررسی نشانه‌ها و بازگشت به لایه‌های اولیه آن، تصور صورت گرفته از نشانه‌ها به صورتی متفاوت و در ارتباط با ساختارهای ذهنی مطرح شده است. براین اساس آنچه منجر به خلق نشانه در فضای ورودی شده حاصل تطبیق صفات ذهنی متأثر از

- کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران.
۴. اکو، امبرتو. (۱۳۸۴). *اسطوره سوپرمن و چند مقاله دیگر*. (خجسته کیهان، مترجم). تهران: نشر ققنوس.
۵. اکو، امبرتو. (۱۳۸۷). *نشانه‌شناسی*. (پیروز ایزدی، مترجم). تهران: ثالث. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۲).
۶. اورسل، ارنست. (۱۳۵۳). *سفرنامه اورسل، ۱۸۸۲ میلادی*. (علی اصغر سعیدی، مترجم). تهران: زوار. (نشر اثر اصلی ۱۸۸۵).
۷. آسابرگر، آرتور. (۱۳۸۹). *روش‌های تحلیل رسانه‌ها*. (پرویز اجاللی، مترجم). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
۸. پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۹). *میانی نظری و فرآیند طراحی شهری*. تهران: شهیدی.
۹. پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۷۱). *آشنایی با معماری اسلامی ایران*. (غلامحسین معماریان، تدوین). تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
۱۰. پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۸۷). *معماری ایرانی*. (غلامحسین معماریان، تألیف و تدوین). تهران: سروش دانش.
۱۱. چندلر، دانیل. (۱۳۸۶). *میانی نشانه‌شناسی*. (مهدی پارسا، مترجم). تهران: سوره مهر. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۱).
۱۲. حاجی آقامحمدی، عباس. (۱۳۷۷). *سیمای استان قزوین*. قزوین: طه.
۱۳. حاجی علی محمدی، افسانه. (۱۳۷۲). *نقوش سردرهای خانه‌های تهران قدیم*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری شهرداری تهران.
۱۴. حائری مازندرانی، محمد رضا. (۱۳۸۸). *خانه، فرهنگ، طبیعت*. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۱۵. راس، کلی آل؛ و همکاران. (۱۳۸۴). *میانی فلسفی و روان شناختی ادراک فضا*. (آرش ارباب جلفایی، مترجم). اصفهان: نشر خاک.
۱۶. سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان قزوین. (۱۳۹۵).
۱۷. سجودی، فرزانه. (۱۳۸۷). *نشانه‌شناسی کاربردی*. تهران: علم.
۱۸. سلطان زاده، حسین. (۱۳۷۲). *فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۹. سوسور، فردینان دو. (۱۳۸۲). *دوره زبان‌شناسی عمومی*. (کورش صفوی، مترجم). تهران: نشر هرمس. (اثر اصلی ۱۹۸۳).
۲۰. شهری (شهری باف)، جعفر. (۱۳۷۱). *طهران قدیم*. (جلد ۳). تهران: معین.
۲۱. ضیمران، محمد. (۱۳۸۵). *امبرتو اکو و نشانه‌شناسی*. *مجله فرهنگی و هنری بخارا (ویژه‌نامه امبرتو اکو)*، ۹ (۴)، ۲۲۲-۲۱۷.
۲۲. عمرانی پور، علی. (۱۳۸۴). *هنر و معماری اسلامی ایران، یادنامه استاد دکتر لطیف ابوالقاسمی*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
۲۳. کابلی، پال؛ و یانتس، لیتزا. (۱۳۹۱). *نشانه‌شناسی*. (محمد نبوی، مترجم). تهران: پردیس دانش. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۷).
29. Chandler, D. (2017). *Semiotics: the basics*. London and New York: Taylor & Francis.
30. Dabagh, A.M. (2015). The reflection of Semiotic Theories in the Architectural Reading of the Contemporary Mosques of Tehran. *Indian Journal of Fundamental and Applied Life Sciences*, 5(2), 2460-2471.
31. Deely, J. (2015). *Semiotics "Today": The Twentieth-Century Founding and Twenty-First-Century Prospects in P.P. Trifonas (Ed). International Handbook of Semiotics*. (pp. 29-113). Dordrecht: Springer.
32. Eco, U. (1978). *A Theory of Semiotics*. Indiana, United States: Indiana University Press.
33. Eco, U. (1986). *Semiotics and the Philosophy of Language*. Bloomington: Indiana University Press..
34. Gawlikowska, A.P. (2013). From Semantics to Semiotics. *Communication of Architecture. Architecturae et Artibus*, 5(1), 51-61.
35. Leach, N. (Ed.). (2005). *Rethinking architecture: a reader in cultural theory*. London and New York: Taylor & Francis.
36. Lotman, Y.M. (2001). *Universe of the Mind, A Semiotic Theory of Culture*. London and New York: I.B. Tauris.
37. Mahdavi, Sh. (2012). Everyday Life in Late Qajar Iran. *In Iranian Studies*, 45(3), 355-370.

38. Peirce, C. S. (1991). *Peirce on signs: Writings on semiotic*. New York: UNC Press.
39. Rapoport, A. (1969). *House Form and Culture*. Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice-Hall.
40. Saussure, F.d. (2011). *Course in General Linguistics*. New York, United States: Columbia University Press.
41. Sebeok, T.A. (2001). *Signs: An Introduction to Semiotics*. Canada: University of Toronto Press.
42. Ramzy, N. S. (2013). Visual language in Mamluk architecture: A semiotic analysis of the Funerary Complex of Sultan Qaitbay in Cairo. *Frontiers of Architectural Research*, 2(3), 338-353.
43. Trifonas, P.P. (Ed.). (2015). *International Handbook of Semiotics*. Netherlands: Springer.

Contemplation on Semiotics of Qazvin Houses Entrance of During the Qajar Era from Aspects Ferdinand de Saussure, Charles Sanders Peirce and Umberto Eco

*Noushin Sekhavatdoust**, M.A. in Architecture, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

Fariba Alborzi, Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

Abstract

Semiotics (Semiology) is a scientific approach which deals with studying and analyzing signs. By broad and multilateral studying upon objects in different cultural and social fields, it can be considered as an efficient factor (effect) in architecture and impressive agents in creating spaces. This research, investigates the reasons and meaning of the factors (effects) which were used in the entrance of Qajar's houses of Qazvin City from view of semiotics, and by considering "Ferdinand de Saussure", "Charles Sanders Peirce" and "Umberto Eco" points of view. The theory is that in researching every detail of these entrances with Semiological view, whatever that interpreted as a sign is a result of human's thoughts (mind) and also has been impressed by cultural and social structures. However, the main part of this research is mostly about objective (visual) factors (effects) but as the aforementioned theory suggests, these visual factors (effects) are also made by following the thoughts (mind). In this research it is decided to study the entrance of Qajar's houses of Qazvin City by using semiotics (semiology) to analyze these areas more deeply than what was thinking about them- that these areas are just a linking part of the houses. The research also wants to find and analyze the factors (effects) among cultural and social fields, which can be interpreted as signs. As it can be understood from research's title and its theory, necessity of meaning interpretation and social analysis as the main base have an important role, so by considering them, the research method is qualitative and in analyzing, it is supreme, comparative and descriptive. Semiological analysis were carried out in accordance with the views of "Saussure", "Peirce", and "Eco". Therefore, the cause-and-effect relationships of signifier and signified were discussed in Saussure's perspective. Then, the designatum, Sign, interpretant, and three types of semiotics (index, symbol, and icon) were discussed in "Peirce's" point of view. Finally, the centrality of culture was analyzed in the formation of symbols in accordance with Eco's view. In addition to analyzing the functional and conceptual causes of spatial elements of the entrance symbolically, the research results indicated the most effective factors in the analysis of signs in reference to subjective and conceptual components. Such components resulted in cultural, social, religious, and behavioral structures by considering the physical features leading to a meaningful form. Accordingly, the researchers managed to determine the philosophical method of semiotics in the legibility of architectural elements by preserving the nature of the method. The aforesaid approach described the conventional relationship between physical forms and the elements of entrance space comprehensively in addition to their applications. It also justified those entrance symbols which were merely decorative and useless, due to the lack of a specific functionality, in the legibility of deep semantic strata in reference to sociocultural structures. In interaction with the views of theorists, the legibility of entrance space symbols was provided in a more detailed context in relation to the residents and users of space in addition to behavioral and religious patterns affecting the creation of a meaningful physical for such elements.

Key words: Semiotics of architecture, Qazvin houses entrance of during the Qajar era, Ferdinand de Saussure, Charles Sanders Peirce, Umberto Eco.

* Corresponding Author: Email: faalborzi@yahoo.com